

# beim Friseur اصطلاحات آلمانی در آرایشگاه

سلام دوستان

در این درس می خواهیم با هم به اصطلاحات مهم در آرایشگاه یا به عبارت دیگر در حال آرایشگری ؛ در هنگام آرایشگری

آرایشگر مرد ؛ آقای آرایشگر der Friseur

خانم آرایشگر ؛ آرایشگر خانم die Friseurin

Alternative Schreibung: Frisörin جایگزین نوشتاری : Frisörin اما همانند بالا Friseurin نیز نوشته میشود

ما برای درک بیشتر فرض میگیریم که من هم اینک می خواهم به یک آرایشگاه بروم و شروع کنم به صحبت کردن

Situation : Morteza geht zum Friseur. Er möchte seine Haare schneiden lassen

موقعیت : مرتضی دارد به آرایشگاه میرود. او میخواهد موهایش را کوتاه کند

چند نکته گرامری :

ما همواره zu ( به ) آرایشگاه میرویم و از آنجایی که این حرف اضافه یعنی zu یک حرف اضافه Dativ ساز است ؛ بنابراین میشود zum Friseur

در تفکر آلمانی ما همواره میگذاریم یا اجازه میدهیم موهایمان را کوتاه کنند پس دو فعل schneiden lassen می بایستی با هم بیایند.

فعل schneiden lassen یک فعل Akkusativ ساز است یعنی درست همانند فارسی ما چیزی را کوتاه میکنیم!

Ort : im Friseursalon

مکان : سالن آرایشگری یا سالن آرایشگاه

در مکالمات زیر شخصیت یا مکالمات من با رنگ آبی مشخص شده است

Hallo, ich bin Bahram, Ihr Friseur. Setzen Sie sich bitte hin

سلام ؛ من بهرام هستم ؛ آرایشگران یا آرایشگر شما. لطفاً بفرمایید بنشینید.

نکات گرامری : فعل hinsetzen یک فعل جداشدنی است - > از طرف گوینده به سمت مکان یا محلی برای نشستن ؛ ما در فارسی معمولاً میگوییم بگیر اونجا بشین و مودبانه اش بفرمایید اینجا یا آنجا ( خلاصه یک مکان مشخص ) بنشینید.

در تفکر آلمانی ما همواره خودمان را مجاب میکنید در جایی یا مکانی بنشینیم ؛ این بدین معنی است که این فعل Reflexiv یا انعکاسی است sich hinsetzen

ما در دروس گذشته setzen, sitzen را داشتیم که به تفاوت های آنها پرداختیم ؛ پیشنهاد میکنم این درس مهم را از بخش زیر مطالعه کنید

چنانچه درس بالا را مطالعه کرده باشید ؛ پی میبرید که setzen یک فعل Akkusativ است یعنی ذاتش کلاً Akkusativ است پس hinsetzen نیز به همین صورت است.

خب اینها چه کمکی میکنه به ما؟ این کمک را میکنه که ما میدونیم به جایی sich در صورت اینکه بخواهیم به ضمائر دیگر اشاره کنیم ؛ باید ضمیر مربوط را برویم از حالت Akkusativ اش بیاریم. مثال برای درک بیشتر :

Ich setze mich hin

تفکر آلمانی : من خودم را مجاب میکنم (در آنجا یا مکان مشخص) بنشانم

تفکر فارسی : من دارم آنجا یا اونجا می نشینم یا خودم را مینشانم

برای ضمیر تو نیز به این صورت است

Du setzt dich hin

پس با توضیحات گفته شده فهمیدیم که نباید بگیم ich setze mir hin چون کاملاً غلط است ❹

این روشی که در این درس ما بکار میبریم ؛ یعنی نکات مهم هر جمله را از نظر ساختار و دستور زبانی مورد بررسی قرار میدم و نه تنها مفهوم یک فعل یا جمله را در معادل فارسی آن یاد میگیرم بلکه با کاربردها و نکات دستور زبانی اونم آشنا میشم ؛ این کار به ما کمک میکنه که پس از یادگیری مثلاً هزار لغت ؛ آنگاه پی می برید که چقدر خوب آلمانی صحبت میکنید و چقدر هم خوب فهمیده می شوید و شما نیز دیگران را میفهمید.

آقای آرایشگر گفت:

Hallo, ich bin Bahram, Ihr Friseur. Setzen Sie sich bitte hin

سلام اسم من بهرام است ؛ آرایشگر شما ؛ بفرماید آنجا بنشینید

Hallo, danke schön

سلام ؛ خیلی متشکرم یا خیلی ممنون

Sollen wir erstmal die Haare waschen?

می بایستی قبل از هر چیزی موها را بشوریم؟

Ja, das wäre gut. Meine Haare sind voller Gel

بله ؛ این خیلی خوب میشه. موهای من پر از ژل هستند

اصطلاح das wäre gut در واقعه wäre همان sein است در صرف سوم شخص مفرد اما در Konjunktiv 2

در تفکر آلمانی « چون قرار است یک اتفاق در آینده پیش بیاید و ما هنوز از نتیجه مثبت یا منفی بودن آن خبر نداریم پس این اصطلاح در Konjunktiv 2 گفته میشود

در فارسی گفته میشه : خیلی خوب میشه ها ؛ چه خوب میشه ها اگر موهام را بشورید.

برای درک این مبحث مهم گرامری یعنی Konjunktiv 2 پیشنهاد میکنم سه درس زیر را مطالعه کنید:

جملات آرزویی ( [کلیک کنید](#) )

زمان Konjunktiv 2 چیست؟ ( [کلیک کنید](#) )

نگاهی دقیق تر به Konjunktiv 2 ( [کلیک کنید](#) )

Dann kommen Sie bitte hier zum Waschbecken

پس بیایید به ( به سمت یا سوی جا و مکانی ) سرشویی یا همان روشویی که در آرایشگاه هاست و سرمان را می‌شورند ، نمیدونم چرا ماها در فارسی به اونجا هم میگیم دستشویی «:

خب من میروم به سمت روشویی تا سرم را بشورد ؛ آقای آرایشگر میپرسه

Passt Ihnen die Wassertemperatur?

این دما یا حرارت آب مناسب شما هست؟

Ja, danke. So ist es angenehm

بله ؛ مرسی ؛ اینجوری مطبوع یا راحت و خوشایند است.

Gut, dann werden wir auch den Kopf ein bisschen massieren. So ist es besser

خیلی هم خوب ( خب ) پس ما آن سر را ( کله ) را به کمی ماساژ یا مالش میدهیم.

پس از اینکه آقای آرایشگر موهای منرا شست ؛ حال سوال بعدی اینگونه است :

Wie soll ich denn schneiden?

چه جوری می بایستی کوتاه کنم؟

denn در این جمله ؛ به عنوان یک واژه تاکیدی مورد کاربرد قرار گرفته است

برای درک واژگان تاکیدی پیشنهاد میکنم بخش زیر را مطالعه کنید:

خب حالا من باید قشنگ توضیح بدم که موهام رو چه جوری دوست دارم کوتاه کنه

Auf dem Kopf möglichst kurz, gerne so zwei Zentimeter. Die Seiten bitte trotzdem nicht radikal abrasieren, das macht mein Gesicht zu schmal

به روی سرم ( کاسه سر ) هر چه کوتاه تر بهتر ( تا جایی امکان کوتاه ) ؛ تمایل یا میل درونی من حدود دو سانتیمتر است. با این وجود کنارهاش خواهشا خیلی یا بیش از اندازه کوتاه نشوند. این چهره ام را خیلی لاغر میکند.

پس من به آقای آرایشگر گفتم که میخواهم موهام کوتاه بشه حدود 2 سانتیمتر ولی با این وجود که کوتاه است ؛ کنارهاش یا دور موهام خیلی کوتاه نشه چون این کوتاهی باعث میشه که چهره ام یا صورتم لاغر به نظر برسد.

Machen wir! Möchten Sie was zu trinken haben?

انجامیش میدیم ( چشم به روی چشم ) دلتان میخواهد چیزی برای نوشیدن داشته باشید؟

Wasser wäre gut, danke

آب باشه که خیلی خوب میشه ، مرسی

Nach einer Weile

کمی بعد تر ...

Wie gefällt es Ihnen?

خوشتون میاد؟

Ganz gut, ich bin zufrieden. Ich möchte aber auch meinen Bart rasiert bekommen

کاملا خوب و عالی. من خیلی راضی ام. ولی من دلم میخواهد ریش هام هم بزوم

Kein Problem. Soll ich ihn nass oder trocken rasieren?

مشکلی نیست. می بایستی من آنرا خیس ( با کف ) یا اینکه ( خشک ) اصطلاح کنم؟ ( کوتاه کنم )

Ich möchte eine Nassrasur

من دلم میخواهد کف زده بشه و بعد اصلاح بشه

Haben Sie einen guten Rasierschaum? Ich habe etwas sensible Haut

شما یک خمیر ریش یا کف ریش تراشی خوب دارید؟ پوست من به مقدار حساس است

Natürlich. Wir haben etwas für jeden Hauttyp

البته ( معلوم است که داریم ) ما برای هر مدل پوستی ( چیزی مخصوص ) داریم

Fertig تمام شد

Danke sehr

بسیار ممنونم

Das sind dann für waschen, schneiden und rasieren zusammen 20 Euro

خب اینها برای شستن ؛ کوتاه کردن و اصطلاح صورت ( ریش و سیبیل ) میشود 20 یورو

پول را میدم و بعد هم خداحافظی میکنم

Auf Wiedersehen

خدانگهدار

اما دیگر اصطلاحات و جملاتی که در این زمینه بکار برده میشود:

Ich hätte gern einen Haarschnitt, bitte

می تونم یک اصطلاح مو داشته باشم لطفا

یا اینکه :

Ich möchte gern meine Haare schneiden lassen

تمایل دارم یا دلم میخواهد اجازه بدم موهایم را کوتاه کنند

Ich hätte gern eine Tönung

Ich hätte gern ein Färbung

میشه موهایم را رنگ کنید یا اینکه من می تونم موهای رنگ شده داشته باشم

Ich hätte meine Haare nicht zu kurz

من نمیخوام موهایی خیلی کوتاه داشته باشم

ما می توانیم با möchten نیز بگوییم

Ich möchte meine Haare nicht zu kurz werden

من نمی خواهم موهایم خیلی کوتاه بشوند

اگر هم تقریبا بخواهیم کوتاه کنیم میگویم :

Ich hätte meine Haare ziemlich kurz

من میخوام موهایم را حدودا یا تقریبا کوتاه کنم

و اگر هم بخواهیم خیلی کوتاه کنیم :

Ich hätte meine Haare sehr kurz

من می تونم موهای خیلی کوتاه داشته باشم؟

Föhnen Sie bitte meine Haare

لطفا موهایم را سشوار بکشید

---

چنانچه شما نیز در ارتباط با این درس مثال یا اصطلاحی دارید لطفا آنرا در بخش نظرات همین درس درج کنید.

---

## täglich, immer

سلام دوستان در درس امروز از سری دروس اینستاگرامی می خواهیم با هم دو قید زمان täglich و immer را مورد بررسی قرار بدهیم :

täglich همیشه ، دائم ، مدام ، همواره

immer یومیه ، روز به روز ، روزانه

Täglich: so, dass etwas jeden Tag geschieht , nicht nur Mo-Fr

روزانه : به این صورت که چیزی هر روز پیش بیاید یا به وقوع بپیوندد ، نه فقط دوشنبه تا جمعه

immer: drückt aus, dass etwas gleich bleibt oder sich wiederholt; die ganze Zeit

تاکید کنیم که چیزی ثابت بماند و در تمام مدت تکرار شود.

Man soll täglich Obst und Gemüse essen

آدم می بایستی روزانه میوه و سبزیجات بخورد.

Die meisten Menschen putzen sich täglich die Zähne



اغلب آدم ها روزانه دندان هایشان را مسواک میزنند

Ich habe den Eindruck, diese Ampel ist immer rot  
من این تصور را دارم ( که ) این چراغ راهنمایی همیشه قرمز است

Hier in Norwegen regnet es immer

اینجا در نروژ همیشه خدا باران می بارد.

البته immer می تواند به معنی هر دفعه و نزدیک به اصطلاح jedes mal نیز باشد.

Immer wenn du kochst, gibt es was Gesundes

هر دفعه که تو آشپزی میکنی ، چیز های سالم وجود دارد

Ich bekomme immer Zahnfleischbluten, wenn ich mir die Zähne putze

من هر دفعه که دندان هایم را مسواک میزنم از لثه هایم خون می آید.

---

این درس را در اینستاگرام نیز دنبال کنید:

<https://www.instagram.com/p/BjrAId8nq-p/?taken-by=de.alemani.de>

---

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع : de.alemani.de

---

# müssen, sollen

سلام دوستان،

در این درس می خواهیم نگاهی داشته باشیم به دو فعل کمکی **müssen** و **sollen** و همچنین حالت های منفی آنها را نیز مورد بررسی قرار بدهیم.

**sollen** می بایستی

**müssen** باید

**nicht sollen** نمی بایستی

**nicht müssen** نباید

تفاوت و کاربرد :

در واقع **müssen** باید صد درصدی است و حتماً باید چیزی انجام بشود و **nicht müssen** دقیقاً متضاد آن است ، آدم نمی باید چیزی را انجام بدهد.

و **sollen** باید صد درصدی نیست ، بلکه کمی اختیار در آن وجود دارد و **nicht sollen** نیز دقیقاً متضاد آن است.

**nicht müssen** : es gibt keinen Zwang/Auftrag, etwas zu tun; man braucht etw. nicht zu tun

نبايد : هيچ اجباری / هيچ دستوری وجود ندارد. ( تا ) چیزی را انجام بدهیم ، آدم نیاز نیست کاری را انجام بدهد

**nicht sollen** : es gibt einen Auftrag, etwas nicht zu tun; man darf etw. nicht tun

نمی بایستی : یک وظیفه یا دستوری وجود دارد. ( تا ) چیزی را انجام ندهیم ، آدم اجازه انجام چیزی را ندارد.

چنانچه می خواهید بیشتر در مورد تفاوت و کاربردهای **müssen** و **sollen** بدانید حتماً درس زیر را مطالعه کنید.

---

نگاهی دقیق تر به sollen و müssen در زبان آلمانی ( [کلیک کنید](#) )

---

چند مثال و پایان درس :

Ich **muss** heute **nicht** zur Schule gehen

من **نباید** امروز به مدرسه بروم

یعنی نباید کاری انجام بدهم که این کار ، مدرسه رفتن است.

Wegen mir **muss** du die Heizung **nicht** anmachen. Ich ziehe einen Pulli an

به خاطر من ، **نباید** شوفاژ را روشن کنی. من یک پلیور تن میکنم. ( می پوشم )

Holen Sie die bestellten Bücher ab, oder **sollen** wir sie Ihnen schicken?

کتاب های سفارش داده شده را خودتان می آید و می برید یا ما **می بایستی** آنها را برایتان ارسال کنیم

Mein Lehrer hat gesagt, ich **soll nicht** immer vorsagen

معلم من می گفت : من **نمی بایستی** دائماً بچ بچ کنم یا نجوا کنم

---

این درس را در اینستاگرام دنبال کنید.

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع : de.alemani.de

---

## fertig sein, bereit sein

سلام دوستان،

در درس امروز می خواهیم با هم اصطلاح **bereit sein** و همچنین **fertig sein** را مورد بررسی قرار بدهیم.

ما در این درس به شباهت ها و تفاوت های این دو اصطلاح می پردازیم.

Beide Wörter können bedeuten, dass man in einer Situation ist, in der man eine neue Arbeit / Tätigkeit beginnen kann

هر دوی آنها می توانند به این معنی باشد که آدم در یک موقعیتی است که در آن یک کار یا عمل جدیدی را می تواند شروع کند.

**fertig sein** عمل یا کاری را به پایان بردن یا اینکه آماده بودن برای انجام کار یا عمل جدیدی

**bereit sein** حاضر و آماده بودن ، مهیا بودن

به مثال زیر توجه کنید :

Wir wollen jetzt losgehen. **Bist** du endlich **fertig**?

ما باید الان راه بیافتیم ، تو بالاخره آماده شدی □

Wir wollen jetzt losgehen. **Bist** du endlich **bereit**?

ما باید الان راه بیافتیم ، تو بالاخره حاضر و آماده شدی

همانطور که دیدید در این شرایط ما می توانیم آنها را به جای یکدیگر مورد استفاده قرار بدهیم ، در واقع ما هر کدام از جملات بالا را بکار ببریم ، برای مخاطب یک برداشت و مفهوم را به همراه دارد.

اما اجازه بدید نگاهی به مفاهیم **bereit** و **fertig** نیز داشته باشیم

**bereit** حاضر ، آماده ، مهیا ، فراهم

و اگر با فعل **sein** ترکیب شود ، آنگاه به مفهوم زیر می باشد :

**bereit sein** حاضر بودن ، آماده بودن ، مهیا بودن ، فراهم بودن

**fertig** آماده ، مهیا ، حاضر و آماده برای انجام کاری

و اگر با فعل **sein** ترکیب شود ، آنگاه به مفهوم زیر می باشد :

**fertig sein** آماده بودن ، مهیا بودن ، حاضر و آماده برای انجام کاری بودن

البته توجه داشته باشید که **fertig** می تواند معانی زیر را نیز داشته باشد :

خسته و کوفته ، تمام شده ، خاتمه یافته ، به پایان رسیده ، از پا افتاده

که همین مفاهیم است باعث تفاوت میان **fertig sein** با **bereit sein** شده است و به همین دلیل است که ما همیشه و در همه

جا نمی توانیم آنها را به جای یکدیگر استفاده کنیم.

به مثال های زیر توجه کنید :

Alles ist bereit, die Gäste können kommen

همه چیز حاضر و آماده است ( مهیاست ) ، مهمان ها می توانند بیایند.

Wärest du bereit, mir zu helfen?

حاضری به من کمک کنی؟

Unser Haus soll nächsten Sommer endlich fertig werden

خانه یمان می بایستی ( تا ) تابستان بعدی سر انجام به پایان برسد.

توضیحات : در واقع bereit sein به این مفهوم است که ما کاملاً حاضر و آماده برای انجام کاری باشیم ، اگر چه fertig sein می تواند این مفهوم را نیز داشته باشد ، ولی از طرف دیگر می تواند به این مفهوم نیز باشد که کاری را به پایان بردن و حالا آماده بودن برای یک عمل دیگر ، یا اینکه از چیزی خسته شدن و کنار گذاشتن را fertig sein می تواند به همراه داشته باشد.

اجازه بدید از نظر گرامری یا دستور زبانی نیز به این دو اصطلاح بپردازیم

mit etwas oder jemandem fertig sein

تفکر آلمانی : توسط چیزی خسته و کوفته شدن

تفکر فارسی : از چیزی زده شدن ، خسته شدن ، کلافه شدن

für etwas oder jemanden bereit sein

برای چیزی یا برای کسی حاضر و آماده بودن

اگر توجه کرده باشید ما در تفکر آلمانی mit چیزی یا mit کسی خسته می شویم ، برای مثال : **mit jemandem fertig sein** به این معنی است که ما از کسی خسته بشویم و دیگر نخواهیم با او کار کنیم یا ارتباط داشته باشیم ، از ارتباط یا کار کردن با او خسته شده ایم!

همانطور که میدانیم **mit** یک حرف اضافه **Dativ** ساز می باشد ، بنابراین **mit jemandem**

اما در مورد **bereit sein** کاملاً مفهومی برعکس دارد ، برای مثال : **für jemanden bereit sein** به این معنی است که ما برای کسی وقت داشته باشیم و به خاطر او حضور داشته باشیم ، حال به جهت کم کردن ، صحبت کردن و هر عمل دیگری!

همانطور که میدانید **für** یک حرف اضافه **Akkusativ** ساز می باشد ، بنابراین **für jemanden**

---

دنبال کردن این درس در اینستاگرام

<https://www.instagram.com/p/BjoyqrCnjqu/?taken-by=de.alemani.de>

---

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع : [de.alemani.de](https://www.instagram.com/p/BjoyqrCnjqu/?taken-by=de.alemani.de)

---

# Die Bestechung

سلام دوستان در درس امروز می خواهیم با هم نگاهی داشته باشیم به اسم Die Bestechung و فعل bestechen

Die Bestechung یک اسم مونث می باشد

رشوه

bestechen یک فعل می باشد

رشوه دادن

bestachen : گذشته ساده

haben bestochen : گذشته کامل

و البته از اینها ما می توانیم به صفت زیر نیز برسیم

bestechlich

رشوه خوار

Nicht nur in unserer Heimat gibt es Bestechung, sondern auch in Deutschland

نه تنها رشوه در کشور ( وطن ) ما وجود دارد ، بلکه در آلمان نیز وجود دارد

Asyl-Skandal

رسوایی پناهندگی

War Bremen ein Schlupfloch?



شهر برمن راه گریز بود؟

در مورد اسم das Schlupfloch به سوراخ یا روزنه ای گفته می شود که آدم می تواند از آن فرار کند ، به زبان ساده تر به یک راه گریز Schlupfloch گفته میشود.

و اما Skandal به معنی : رسوایی ، اففضاح ، بدنامی و آبروریزی می باشد.

Die meisten Menschen sind blutrünstig, sie wittern den Skandal

اکثر انسان ها تشنه خون هستند ، آنها رسوایی را بو می کشند

Dieses unethische Verhalten ist meiner Ansicht nach ein Skandal

به نظر من این رفتار غیراخلاقی ، یک رسوایی است!

شاید شنیده باشید چند روز پیش در شهر برمن آلمان یک خانم مسئول رسیدگی به پرونده پناهندگان با دریافت Bestechung به پرونده آنها جواب مثبت میداده است اما بعد از مدتی که رونده قبولی در این شهر افزایش یافت و با کنترل دوباره پرونده ها ، پی بردند که یک چیزی اینجا نمی تواند درست باشد و در نهایت پس از بررسی دقیق تر دریافتند که این خانم با دریافت مقداری پول به پرونده ها جواب مثبت میداده است. حال قرار است تمامی پرونده های که از سال ۲۰۰۰ در شهر برمن توسط این خانم قبولی گرفته اند مجدداً مورد بازبینی قرار بگیرند. به احتمال خیلی زیاد بیش از هزاران پرونده مورد بررسی دقیق قرار خواهند گرفت و جواب قبولی خیلی از آنها پس گرفته خواهد شد!

برگردیم به درس :

Noch heute wird so manches Amt durch Bestechung erkauf

حتی امروزه نیز بعضی از اداره ها توسط رشوه خریداری می شوند

یعنی با دادن رشوه به بعضی از ادارات قانون را دور زده و کار خودشان را پیش می برند

Einen Beamten bestechen

در تفکر آلمانی : ما همواره کسی را رشوه می‌دهیم یعنی این فعل *Akkusativ* ساز است ، اما در تفکر فارسی ما معمولاً به کسی رشوه می‌دهیم ، ساده تر اینکه در فارسی این فعل *Dativ* ساز است اما در تفکر آلمانی این فعل *Akkusativ* ساز!

Er bestach den zuständigen Sachbearbeiter, um den Auftrag zu erhalten

او ( مذکر ) آن کارمند مسئول را رشوه داده تا آن ماموریت ( وظیفه ) را دریافت کند.

Die Deutschen, zeigt der Index, sind *bestechlicher* als manche ihrer europäischen Nachbarn

آن فهرست نشان میدهد ، آلمانی ها رشوه خوار تر از بعضی کشورهای همسایه اروپایی شان هستند.

Der Index zeigt, dass die Deutschen *bestechlicher* sind als manche ihrer europäischen Nachbarn

آن فهرست نشان میدهد ، آلمانی ها رشوه خوار تر از بعضی کشورهای همسایه اروپایی شان هستند.

Am *bestechlichsten* sind nicht die Minister, sondern die Steuerbehörden

وزرا رشوه خوارترین نیستند ، بلکه مقامات اداره مالیات رشوه خوارترین هستند.

آموزش رایگان زبان آلمانی - مرتضی غلام نژاد

منبع : [de.alemani.de](http://de.alemani.de)